

وقتی عیسا خدا شد

نزاع بر سر تعریف مسیحیت در واپسین روزهای روم

ریچارد ای. رابینسون

ترجمه‌ی راضیه سلیمان



When Jesus Became God
The Struggle to Define Christianity During the
Last Days of Rome
Richard e. Rubenstein

حتی عیسا خدا شد

نزاع بر سر تعریف مسیحیت در واپسین روزهای روم

ریچارد ای. رابنستاین

ترجمه: راضیه سلیمزاده

ویرایش: تحریریه‌ی نشر مرکز

حروف چای: نمونه، رانی، فحده آرای: بخش تولید نشر مرکز

طرح جلد: ابر - حقید

چاپ اول: ۱۳۹۶، چاپ دوم: ۱۴۰۰، ۱۰۰۰ نسخه، چاپ مهرباب

شابک: ۹۷۸-۶۰۲۱۳-۳۶۶-۶

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر علمی، روی پل لاله، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸

تلفن: ۳-۴۶۲-۸۸۹۷۰ فاکس: ۱۶۹-۸۸۹۷۰

Email: info@nashr-e-komik.com

 [nashremarkaz](https://www.instagram.com/nashremarkaz)

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این ترجمه به نشر مرکز محفوظ است.
 تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به سبب سوءاستفاده کپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و بخش بدون دریافت مجوز کپی و کپی از ناشر ممنوع است.
 این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

سرشناسه: رابنستاین، ریچارد ای. Rubenstein, Richard E.

عنوان و نام پدیدآور: وقتی عیسا خدا شد: نزاع بر سر تعریف مسیحیت در واپسین روزهای روم/ ریچارد ای. رابنستاین

ترجمه: راضیه سلیمزاده

مشخصات ظاهری: هشت، ۲۸۰ ص:، جدول، نقشه: ۲۱،۵×۱۴،۵ س.م

یادداشت: عنوان اصلی: When Jesus Became God: The Struggle to Define Christianity During the Last Days of Rome, c1999.

کتابنامه: صص ۲۲۶-۲۷۲ / نمایه

موضوع: عیسی مسیح -- تاریخ عقاید -- الوهیت -- آریانیسم -- کلیسای اولیه، ح. ۳۰-۶۰۰ م

Jesus Christ -- History of doctrines -- Divinity -- Arianism -- Early church, ca. 30-600.

شناسه‌ی افزوده: سلیمزاده، راضیه، ۱۳۶۳- مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۷/۹۷ BT۲۱۶

رده‌بندی دیویی: ۲۷۲/۴

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۴۸۵۰۳۵۹

فهرست

۱	پیش‌گفتار
۷	سپاسگزاری
۱۱	(۱) واقعه‌ای در اسکندریه
۳۷	(۲) سکوت آپولون
۶۵	(۳) مجادله‌ای در خانه خدا
۸۷	(۴) شورای عالی و مقدس
۱۰۹	(۵) گناهان جسمانی، هواهای نفسانی
۱۲۹	(۶) جام شکسته
۱۴۹	(۷) مرگ در قسطنطنیه
۱۷۳	(۸) شرق مقابل غرب
۱۹۵	(۹) امپراتوری آریوسی
۲۱۹	(۱۰) خدایان قدیم و جدید
۲۳۹	(۱۱) وقتی عیسا خدا شد
۲۶۳	شخصیت‌های اصلی
۲۶۷	جدول امپراتوران
۲۶۹	کتابنامه گزیده منابع انگلیسی
۲۷۳	نمایه

پیش‌گفتار

نطفهٔ این کتاب به صورتی نامعمول، شال گرفت.

سال ۱۹۷۶ بود. من و خانم من به ازگم، به اکس آن پروانس، در [جنوب] فرانسه، رسیده بودیم، جایی که قرار بود یک سال مرخصی مطالعاتی از دانشگاه را در آنجا بگذرانیم. ما برای یک سال خانه‌ای اجاره کردیم که متعلق به میشل و وول^۱ بود، مورخ فرانسوی نامداری که داشت وسایلش را برای رفتن به پریستون برای یک سال مرخصی مطالعاتی جمع می‌کرد. اجاره‌نامه واهی را عین کرده بود که کاملاً مناسب بود اما بند الحاقی‌ای در آن وجود داشت مبنی بر این که اگر می‌خواستیم از کتابخانه شخصی پروفیسور و وول استفاده کنیم، اجاره کمی بیس‌تری شد. پس از سلام و احوال‌پرسی با او — مردی بی‌تکلف و مهربان — خواهش کرد کتابخانه را ببینیم.

کتابخانه اتاق مستطیلی‌شکلی بود که به سبک سادهٔ پروانسی طراحی شده بود، یعنی اتاق کلی طول خانه را گرفته بود. یک کتابخانهٔ دیواری بلند و انباشته از کتاب‌های مختلف یکی از دیوارهای طویل را پوشانده بود. دیوار روبه‌روی آن سرتاسر پنجره بود، پنجره‌هایی که برای راه دادن به هوای گرم سپتامبر می‌توانستید

1. Aix-en-Provence

2. Michel Vovelle

آنها را کامل باز کنید. از پشت میز پروفیسور ووول می شد باغی را دید که در آن بوته ها و درخت زیتونی دیده می شدند. دقیقاً در آن سوی باغ رودخانه ای بود که صدای زمزمه و خروش آن به گوش می رسید، درست مانند شنیدن قسمتی از «زمزمه جویبار» در نمایشی آرکادی^۱. همسر معمولاً صرفه جوی من همین که نگاهش به اتاق افتاد آرام گفت، «اجاره اش کن!»

ما اجاره نامه همراه با بند الحاقی را امضا کردیم و من آن عصر به سیاحت در محتویات قفسه های کتاب ها پرداختم. مجموعه های کوچکی درباره ده ها موضوع رجوع داشتند که نشان از علایق همه جانبه صاحبخانه ام داشت، اما تعداد بسیار از اوانی از کتاب ها درباره الهیات و تاریخ مسیحیت بودند. یادم آمد که میشل ووول را همه با اثر علمی شناسند که درباره «مسیحیت زدایی»^۲ از فرانسه پیش از انقلاب است. ترکیبی دقیق از تاریخ اجتماعی و دینی که به تعریف این تخصص جدید فرانسوی کمک رسانده به تعدادی از عناوین علاقه ام را برانگیختند، و وقتی او برای بردن باقی چمدان پیش رفت، من پشت میز نشسته بودم و پنج شش جلد از کتاب ها را ورق می زدم با مهربانی گفت، «هنوز نرسیده مشوا مطالعه شده اید.»

«بله. خیلی خوشحالم که می توانم از کتابخانه تان استفاده کنم. راستی، شما درباره مناقشه آریوسی چه می دانید؟ الان داشتم درباره آن می خواندم.»
جواب داد، «آه، 'لُفَق آقیوس'^۳ حتماً همه چیز را درباره اش می دانید. آیا عیسا مسیح^۴ خدای روی زمین بود، یا چیز دیگری؟ سیصد سال پیش از واقعه مصلوب شدن، مسیحی ها هنوز تصمیمی در این باره نگرفته بودند. حتی آریوسی! این جالب ترین درگیری در غرب، تا پیش از نزاع بین استالین و تروتسکی رده است.»
شیفته کتاب ها شده بودم. آن سال اغلب کتاب هایی از ووول را به خانه درباره «لُفَق آقیوس» بودند خواندم، و در سال های پس از آن، با وجود وقفه های ناشی از طرح های نگارشی دیگر و حوادثی که زندگی ام را دگرگون کردند، به پژوهش درباره

1. gurgling brook

2. Arcadian

3. de-Christianization

۴. *l'affaire Arius*: عبارت فرانسوی به معنی قضیه آریوس. — م.

5. Jesus Christ

این داستان جذاب ادامه دادم. منابع اطلاعاتی فراوان بودند، هرچند اغلب کتاب‌ها و مقالات مخاطب خود را به استادان و پژوهشگرانی محدود کرده بودند که به تاریخ آموزه‌های کاتولیکی علاقه‌مندند. تقریباً همه منابعی که می‌خواستم بخوانم به زبان انگلیسی یا فرانسوی بودند، زبان‌هایی که آنها را می‌فهمم، و درباره معنی پاره‌ای از اصطلاحات مهم یونانی می‌توانستم با متخصصان این زبان تبادل نظر کنم. کشیشان، الهی‌دانان، مورخان کلیسا، و نیز استادان و پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه امپراتوری روم، آخر با خوش‌رویی به پرسش‌های من پاسخ می‌دادند.

دین بار شروع به نگارش این کتاب کردم که از پیش نام آن را وقتی عیسا خدا شد گذاشته بودم، اما همیشه چیزی مانع ادامه آن می‌شد. مشکل تنها دغدغه‌های دیگرم نبود گمان می‌کنم تردیدی شخصی داشتم. یک آمریکایی یهودی را چه به نوشتن درباره الهی عیسا مسیح؟ چطور می‌توانستم در مسائل حساسی که به دین دیگران مربوط شد دخالت کنم؟ در پشت این مسائل مسئله دیگری وجود داشت که پاسخ به آن دشوارتر بود. چه چیزی مرا با این شدت برانگیخته بود که درباره موضوع هویت و رسالت عیسا کنار کاو کنم؟ پاسخ‌ها در طول دومین مرخصی مطالعاتی‌ام ظاهر شدند، این بار در جزیره مالت^۱، ملتی حدوداً ۳۵۰,۰۰۰ نفری که بیش از ۳۰۰,۰۰۰ تن از ایشان پیرو دین کاتولیک رومی بودند. مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه مالت، که من در آنجا درس‌هایی درباره حل اختلاف و منازعه^۲ تدریس می‌کردم، کشیش کاتولیکی به نام «جوانگوانز»^۳، مردی خردمند، مهربان، و فعال بود. وقتی از پدر جو کمک خواستم تا به کتاب‌های در باب مذهب آریوسی^۴ را در کتابخانه دانشگاه به من نشان دهد، او کمی به تازده نگاهم کرد. سپس گفت کتابخانه‌شان مجموعه فوق‌العاده خوبی در باب آریوسیت^۵ دارد. پرسید اما چرا می‌خواهید درباره آن بدعت خاص مطالعه کنید؟

تبیانی که آوردم درست اما غیرشخصی بود. گفتم من بیش‌تر زندگی حرفه‌ای‌ام را صرف نگارش درباره جدال‌های خشونت‌آمیز اجتماعی کرده‌ام. برای تحلیل‌گران

1. *When Jesus Became God*

2. Malta

3. Conflict resolution

4. Joe Inguanez

5. Arianism

منازعه و اختلاف، منازعه شدید دینی هنوز راز بزرگی است. در واقع این افزایش بی سابقه‌ای که اکنون در مجادله‌های خشونت‌آمیز عقیدتی در هر سو از جهان می‌بینیم برای هیچ کدام از ما پیش‌بینی پذیر نبوده‌اند. جنگ داخلی فعلی در الجزیره، مبارزه میان یهودیان ناسیونالیست شدیداً ستی^۱ و دیگر گروه‌ها در فلسطین اشغالی^۲، حتا درگیری بر سر سقط جنین و هم‌جنس‌گرایی در غرب، در چشم بسیاری از ناظران، رجعت‌هایی عجیب به عصری بدوی‌تر هستند. می‌گویند این مسائل ناشی از «خشک مغزی» دینی^۳ است، گویا این تعبیر می‌تواند تبیین کند چرا افراد در بعضی (و نه در دیگر) زمان‌ها و مکان‌ها برانگیخته می‌شوند که یکدیگر را بر سر اختلافات عقیدتی به قتل برسانند.

با پدر جانتان دوست دارم ریشه‌های اختلافات دینی و شیوه‌هایی را که افراد برای حل آن بکار برده‌اند کشف کنم. گفتم می‌خواهم به بررسی مجادله‌ای پردازم که تا حدی برای بی‌طرفان آشنا باشد تا بتوانند با آن عمیقاً درگیر شوند، اما به قدری از آن فاصله داشته‌اند که بتوانند به صورتی بی‌طرفانه درباره آن بیندیشند. گفتم به نظر می‌رسد مناقشه آریوسی^۴، «حتی‌الآ تا پیش از اصلاحات پروتستانی» جدی‌ترین درگیری میان مسیحیان بوده است، کاملاً مناسب باشد...

جو سر تأییدی تکان داد، اما می‌دانست که بیان دلیل کامل نیست.

«و؟»

«و چیز دیگری هم هست»، این جواب را «فان» ردید گفتم. «من یهودی به دنیا آمده‌ام و در کشوری مسیحی بزرگ شده‌ام. از سن که رانسته‌ام بیندیشم عیسا بخشی از جهان ذهنی‌ام بوده است. از طرفی، همیشه از «استغیثی فوق العاده جذاب شمرده‌ام که چالش‌انگیز و فکربرانگیز است. از طرفی دیگر...»
جو ابروهایش را بالا برد که نشان می‌داد می‌خواهد ادامه دهم.
«بچه که بودم، چون در محله‌ای مرکب از کاتولیک‌ها و یهودی‌ها بزرگ می‌شدم،

1. ultraorthodox

2. Israel

۳. fanaticism: تعصب، خشک مغزی. — م.

۴. Protestant Reformation: جنبشی دینی در سده شانزدهم میلادی که در پی اصلاح کلیسای کاتولیک رمی بود و منجر به ایجاد آیین پروتستان شد. مارتین لوتر و جان کالوین دو تن از رهبران این جنبش‌اند. — م.

اکثر همبازی‌هایم پسر بچه‌های ایتالیایی-آمریکایی بودند. آنها دوستم بودند، اما فهمیده بودم که در جمعه مقدس^۱ [سالروز به صلیب کشیده شدن عیسا مسیح]، بعد از آن‌که در کلیسای سنت جوزف موعظه آن روز را می‌شنیدند، باید در خانه خودمان بمانم، چون بعضی از آنها به سراغم می‌آمدند تا به خاطر کشتن مسیح مرا گوشمالی بدهند. یک بار مرا در خیابان گیر انداختند و نقش بر زمین کردند. من وسط گریه‌هایم داد زدم «اما عیسا یک یهودی بوده!» این فکر که هرگز به ذهنشان نرسیده بود-خونشان را به جوش آورد. حاصلش برای من چند مشت و لگد دیگر برد.»

چه بسیار... من نظر می‌رسید، بنابراین سریع‌تر توضیح دادم. «این یک طرف ماجراست. گاهی... نظر می‌رسد که عیسا برای ما چیزی جز دردسر نداشته است. اما طرف دیگر ماجرا این است که او را نمی‌توان نادیده گرفت. من عیسا را نمی‌پرستم، کسی را که - بیخشنود -... بقیده من یک انسان بوده است، نه پسر خدا. اما چه انسانی! به نظرم اگر پیروانش برای آن همه دردسر درست نکرده بودند، ما او را دست‌کم یک زادیک^۲، یعنی - کم‌بزرگ^۳، یا - تا یک پیامبر می‌شمردیم.»
جو سکوت کرد و بعد گفت، «بله... همیشه به اسم مسیح آزارت داده باشند بعید است بتوانی او را دوست داشته باشی.»

«بله.» گفتم یکی از دلایلی که مناقشه آریو^۴ - و - بهم را جلب کرده این است که پیش از خاتمه یافتن آن، یهودیان و مسیحیان - تراست^۵ - اند با هم گفتگو کنند و در میان خودشان درباره مسائل بسیار حساسی نظیر الوهیت عیسا، معنای نجات، ملاک‌های مبنایی اخلاق... و خلاصه همه چیز بحث کنند. آنها درباره بسیاری چیزها شدیداً اختلاف نظر داشتند، اما باز هم به هم نزدیک بودند. آنها در - رنگ - اخلاقی واحدی سهیم بوده‌اند. هنگامی که مناقشه خاتمه یافت - وقتی عیسا خ - سد - آن نزدیکی از بین رفت. برای مسیحیان خدا تبدیل به یک تثلیث^۶ شد. بدعت جرم شد. یهودیت به شکلی از کفر مبدل شد. و یهودیان ساکن در کشورهای مسیحی آموختند که چندان به عیسا و پیامش نیندیشند.

1. Good Friday

2. tzaddik

3. Trinity

جو با گوش جان این حرف‌ها را می‌شنید و می‌فهمید. او گفت، «اما علت این مشکلات آموزهٔ تثلیث مقدس نبود.»

گفتم، «نه، اما به آنها نمود بخشید و بذر آنها را در خودش داشت. می‌خواهم دربارهٔ این مناقشه بنویسم چون دربارهٔ این که از کجا آمده‌ایم و چه چیز میان ما جدایی انداخته حرف‌های بسیاری برای مان دارد. این ماجرا شاید حتا نشان دهد چگونه ممکن است تفرقه‌های شدید روزی از بین بروند. و، به شکلی، معتقدم که شخصیت عیسا نقش مهمی در این مسئله خواهد داشت. به نظرم زندگی او می‌تواند ما بیاموزد عضو خانوادهٔ بشریت بودن به‌راستی یعنی چه.

جو و من چند دقیقه در سکوت کنار هم نشستیم. سکوت دلپذیری بود. او در حالی که کنار دغایی را از کوله‌پشتی اش برمی داشت گفت «بعداً مجموعهٔ مربوط به بدعت‌ها را در کتابخانه مان به شما نشان خواهم داد. الان، اگر اشکالی نداشته باشد، به گمانم بهتر است دعایم را بخوانم.»

و بعد به قولش عمل کرد.